

روزنامه علمی



دانشگاه تربیت معلم تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان :

بررسی خسارات مازاد بر دیه در فقه و حقوق

استاد راهنما:

حضرت آیت الله دکتر سید محمد موسوی بجنوردی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی

دانشجو:

حسین قاسمی

آبان ۸۹-۱۳۸۸

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

سپاس

«من علمری حرفا فقد صیرنی عبدا»

اینک که با توفیق الهی و تحت راهنمایی و ارشاد استادان بزرگوار، موفق به فراهم آوردن این نوشتار گردیدم، برخورد لازم می‌دانم ضمن ابراز خضوع و قدردانی نسبت به تمامی استادان محترم گروه حقوق و علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم که افتخار شاگردی آن بزرگواران را به عنوان نشان افتخاری برای خود می‌دانم، از استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتوسید محمد موسوی بجنوردی که زحمت راهنمایی بنده را در تدوین این نوشتار بر خود هموار داشتند و از بذل لطفی در این راه دریغ نورزیدند و همچنین از استاد عزیز جناب آقای دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی که در جهت هدایت و مشاوره‌ی اینجانب برخورد سختی روا داشته و این نوشتار را از بام بسم الله تا تمام از نظر گذرانده و نظرات ارشادی خود را بیان نموده تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین سپاس خود را از خانم بامسرتی که همیشه با رویی گشاده و خلق حسن همچون خواهری بزرگوار پذیرای زحمات تمامی دانشجویان بودند اعلام می‌دارم.

چکیده:

در بعضی موارد دیه ای که دادگاه برای شخص زیان دیده در نظر می گیرد برای جبران خسارت زیان دیده کافی نیست و به عبارت دیگر ضرری را که شخص متحمل می شود بیش از مقدار دیه ای است که قانونگذار برای او در نظر گرفته است. به همین دلیل بحث خسارت مازاد بر دیه پیش می آید که از جمله سر فصل های بحث بر انگیز و قابل تامل مجامع علمی و حقوقی و دستگاه قضایی است. بسیاری از دعاوی مطروحه در مراجع ذی صلاح قانونی متضمن درخواست ذی نفع بر مطالبه خسارات و ضرر و زیانی فراتر از دیه مقرر قانونی همچون هزینه درمان و از کار افتادگی بوده و در عین حال دست یابی حقوق زیان دیده را در حاله ای از ابهام فرو برده است. زیرا امروزه از یک طرف پیامدهای خسارت مالی این نوع آسیب (خسارت بدنی) بسیار سنگین تر از گذشته است و در اکثر نظام های حقوقی دنیای معاصر صدمه زننده مسئول و ضامن جبران تمام خسارت ناشی از این صدمه است. از طرف دیگر در فقه و حقوق موضوعه دیه وجود دارد که در سایر نظام های حقوقی چنین چیزی موجود نیست. بنابراین این سوال مطرح می گردد که آیا زیان زننده ضامن تمام پیامدهای خسارت مالی ناشی از آسیب بدنی است یا مسئولیت محدود به پرداخت مبلغ دیه است؟ رساله حاضر به بررسی این موضوع پرداخته و با استناد به قانون مسئولیت مدنی و اصول و قواعد کلاهی مانند قاعده لاضرر و تسبیب، بنای عقلا و رای اصراری هیات عمومی دیوان عالی کشور مطالبه خسارت مازاد بر دیه را جایز می داند.

کلیدواژه: دیه، خسارت، قواعد فقهی، مازاد بر دیه

فهرست

صفحه	عنوان
.....	فصل اول: کلیات.....
.....	مبحث اول: مفهوم دیه.....
..... ۱	گفتار اول: معنای لغوی دیه و واژه ی معادل و نزدیک آن.....
..... ۳	گفتار دوم: تعریف دیه.....
..... ۳	۱-۲) تعریف دیه از دیدگاه فقهای اهل سنت.....
..... ۳	۲-۲) تعریف دیه از دیدگاه فقهای شیعه.....
..... ۵	مبحث دوم: سابقه تاریخی دیه.....
..... ۵	گفتار اول: دیه در نظام حقوقی عرفی پیش از اسلام.....
..... ۵	۱-۱) مجموع قوانین حمورابی.....
..... ۶	۲-۱) روم باستان.....
..... ۶	۳-۱) آنگلو ساکسون.....
..... ۷	۴-۱) ایران باستان.....
..... ۸	۵-۱) قانون مصر فرعونى.....
..... ۸	۶-۱) یونان.....
..... ۹	۷-۱) عرب جاهلیت.....
..... ۱۰	۸-۱) تورات.....
..... ۱۱	۹-۱) انجیل.....
..... ۱۲	گفتار دوم: دیه در نظام حقوقی اسلام.....
..... ۱۲	۱-۲) شریعت مقدس اسلام.....
..... ۱۳	۲-۲) دیه در قرآن و روایت.....
..... ۱۶	گفتار سوم: دیه در نظام حقوقی ایران.....

- مبحث سوم: بحثی کوتاه پیرامون دیه های ششگانه..... ۱۷
- مبحث چهارم: بررسی امضایی یا تاسیسی بودن دیه..... ۲۱
- مبحث پنجم: ارکان و شرایط تحقق دیات در فقه اسلامی..... ۲۲
- گفتار اول: فعل زیانبار..... ۲۲
- ۱- فعل زیانبار و عدم مشروعیت..... ۲۲
- ۱-۱) عدم مشروعیت در جنایت مباشری..... ۲۳
- ۱-۲) عدم مشروعیت در جنایت تسبیبی..... ۲۵
- ۲- فعل زیانبار و تقصیر..... ۲۷
- ۲-۱) جنایت مباشری و تقصیر..... ۲۷
- ۲-۲) جنایت تسبیبی و تقصیر..... ۲۸
- ۳- فعل زیانبار و فاعل..... ۲۹
- گفتار دوم: اثر جنایت..... ۲۹
- ۱-۲) نوع جنایت..... ۳۰
- ۲-۲) جنایت باید ثابت و مسقر باشد..... ۳۱
- گفتار سوم: شروط مجنی علیه..... ۳۲
- ۱-۲) مجنی علیه باید محقون الدم باشد..... ۳۲
- ۲-۳) تقوم (اقامت مجنی علیه در دارالاسلام)..... ۳۳
- ۳-۳) ضرر و تقصیر مجنی علیه..... ۳۳
- گفتار چهارم: رابطه سببیت بین فعل جانی و اثر جنایت..... ۳۴
- ۱-۴) رابطه ی سببیت در جنایت مباشری..... ۳۵
- ۲-۴) رابطه ی سببیت در جنایت مبتنی بر تسبیب..... ۳۵
- ۳-۴) رابطه ی سببیت در جنایت ناشی از اجتماع سبب و مباشر و اجتماع چند سبب..... ۳۶
- فعل دوم: بررسی ماهیت حقوق دیه..... ۳۸
- گفتار اول: ضرورت بحث از ماهیت دیه..... ۳۹
- گفتار دوم: ماهیت خسارت بودن دیه..... ۴۱
- ۱-۲) دلایل طرفداران دیدگاه جبران خسارت بودن دیه..... ۴۱

۴۴	موارد اختلاف و اشتراك ضمان ديه با قواعد مسئوليت مدني.....
۴۶	گفتار سوم: ماهيت مجازات بودن ديه.....
۴۶	۱-۳) دلايل طرفداران دیدگاه مجازات بودن ديه.....
۴۸	۲-۳) موارد اختلاف و اشتراك ديه با مجازات های مالی.....
۴۹	گفتار چهارم: تفكيك در ماهيت ديه.....
۵۱	گفتار پنجم: مجازات و خسارت بودن ديه.....
۵۱	دلايل طرفداران ماهيت دوگانه بودن ديه.....
۵۶	فصل سوم: قواعد عمومي خسارت و تامل بر مقطوع بودن ديه.....
۵۷	مبحث اول: قواعد عمومي خسارت.....
۵۷	گفتار اول: مفهوم مسئوليت و انواع آن.....
۵۸	گفتار دوم: تفاوت مسئوليت مدني با مسئوليت كيفري.....
۵۹	گفتار سوم: ۱ ركان مسئوليت مدني (خسارت).....
۶۰	۱- وجود ضرر.....
۶۰	۱-۱) مفهوم ضرر.....
۶۱	۲-۱) انواع ضرر.....
۶۳	۳-۱) شرايط ضرر قابل جبران.....
۶۴	۲- اقدام ناروا.....
۶۷	۳- وجود رابطه ي سببیت بين ضرر و فعل ناروای زیانبار.....
۶۷	۳-۱) اجتماع سبب و مباشر.....
۶۸	۳-۲) اجتماع اسباب.....
۶۹	گفتار چهارم: شيوه های مختلف جبران خسارت.....
۶۹	۱-۴) جبران عيني يا امحای زیان.....
۶۹	۲-۴) جبران خسارت از طريق پرداخت معادل.....
۷۰	گفتار پنجم: تخفيف ميزان خسارت و تاريخ تقويم ضرر و زیان و نحوه پرداخت خسارت.....
۷۰	۱-۵) تخفيف ميزان خسارت.....
۷۰	۲-۵) تاريخ تقويم ضرر و زیان.....

۳-۵	نحوه پرداخت خسارت.....	۷۰
	مبحث دوم: تاملی بر مقطوع بودن دیه.....	۷۲
	فصل چهارم: بررسی خسارات مازاد بر دیه و بررسی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران.....	۷۹
	مقدمه:.....	۸۰
	مبحث اول: بررسی خسارت های زائد بر دیه.....	۸۱
	گفتار اول: بررسی اقوالی موجود در باب خسارات زائد بر دیه.....	۸۱
	گفتار دوم: بررسی ادله ی قائلین به لزوم جبران خسارت های زائد بر دیه.....	۹۷
	گفتار سوم: بررسی تفضیلی خسارت های ناشی از صدمات.....	۱۰۷
	گفتار چهارم: شروط تحقق موضوع بحث خسارت زائد بر دیه.....	۱۱۴
	نتیجه:.....	۱۱۷
	مبحث دوم: بررسی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران.....	۱۱۹
	گفتار اول: تعریف خسارت معنوی و اقسام آن.....	۱۱۹
	گفتار دوم: نقد و بررسی دلایل مخالفان خسارت معنوی.....	۱۲۰
	گفتار سوم: دلایل جواز مطالبه خسارت معنوی.....	۱۲۶
	گفتار چهارم: آیا دیه شامل خسارت معنوی می شود.....	۱۳۲
	نتیجه گیری کلی.....	۱۳۳
	فهرست منابع.....	۱۳۵

پیشگفتار

قوانین و شیوه های دادرسی اسلامی اگر با بصیرت کافی نسبت به نظام حقوقی اسلام، از یک سو، و شناخت کامل از تحولات و تغییراتی که در عصر حاضر در ساختار جوامع صورت گرفته است، از سوی دیگر همراه نباشد، راه به جایی نبرده و در نهایت یک نظام حقوقی پویا و مستقل، مبتنی بر احکام اسلام و متناسب با مقتضیات زمان بر جامعه حاکم نخواهد شد و دستگاه قضایی کشور نیز نخواهد توانست چنانکه باید رسالت خود را در حاکمیت قسط و عدل بر جامعه ایفا نماید.

هر قانونی که بدون توجه به مقتضیات زمانی و مکانی آن تدوین گردد، اگر چه در اصل از یک نظام حقوقی قدرتمند مانند اسلام ریشه گرفته باشد، به دلیل ناهمگونی با بستر اجرایی خود نه تنها در مرحله اجرا در دادگاهها با مشکل مواجه می شود و در نتیجه دائماً نیازمند تغییر و تبدیل خواهند بود، بلکه پس از مدتی اصل آن نظام حقوقی که قانون مبتنی بر آن تدوین شده است، ارزش و اعتبار خود را از دست می دهد.

از این رو باید چاره ای اندیشید و به جای آن که قوه مقننه را درگیر تصمیم قوانین جزئی و مکرری سازیم که هر یک اصلاحیه بر قانون پیشین اند و دادگاهها را گرفتار قوانین متعدد و گاه متعارض کنیم که بعضی از آنها سنخیتی با شرایط اجتماعی و مشکلات مدام ندارند. باید با طرح درست مشکلات قانونگذاری در کشور و شناخت دقیق قوانین و اصولی که قوانین فعلی از آنها ریشه گرفته اند و جمع آوری تجربیات حاصل از سالیان اجرای این قوانین، دست به تدوین و تبیین اصولی اساسی قوانین جزایی و مدنی و سایر احکام و قوانین اجتماعی اسلام زده، تاثیر مقتضیات زمان را در آنها مشخص نماییم تا در پی آنها بتوانیم نظام حقوقی مقتدر و قدرتمندی بر اساس احکام الهی اسلام، بنیان نهیم و آن را در مقابل سایر نظامهای حقوقی جهان با قدرت مطرح سازیم.^۱

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اگر نظام اسلامی نتواند در کوتاهترین زمان ممکن به حل مشکلات و معضلات قانونی و اجرایی خود بپردازد و در ارائه پاسخهایی که از یک سو مبتنی بر فقه اسلامی و از سوی دیگر متناسب با مقتضیات زمان و در جهت مصالح جامعه باشند توفیق نیابد، نه تنها در میان دشمنان بلکه در خیل دوستان نیز این باور به وجود خواهد آمد که اسلام توانایی اداره نظام پیچیده حکومت را در عصر پیشرفتهای سریع دانش و فن نداشته و باید از ایجاد نظامی مبتنی بر باورهای دینی چشم پوشی کرد.

تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران بار دیگر فرصتی را پیش آورد که فقه اسلامی بتواند نقش گذشته خود را در اداره جامعه و حکومت بازیابد، تشکیل نظام مبتنی بر ولایت فقیه و تأکید قانون اساسی

^۱ - شفیع سروستانی و دیگران، قانون دیات و مقتضیات زمان، ص 15 - 16.

جمهوری اسلامی ایران بر این مطلب که «کلیه قوانین و مقررات، مدنی، جزایی، ملی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد»¹ حوزه‌های فقه‌ت شیعیه را درگیر مسائل پیچیده سیاسی، حکومتی کرد و آن‌ها را واداشت که برای اداره این حکومت تازه تأسیس چاره‌اندیشی کنند.

اگر چه امام راحل در سال‌های تبعید و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کردند که مبانی نظری اندیشه حکومت اسلامی را تبیین کنند و چالش‌های رو در روی این اندیشه را پاسخ گویند اما باید اذعان داشت که درگیری‌ها و مشکلات فراوان دهه اول حکومت نظام جمهوری اسلامی به ایشان اجازه نداد همه آنچه را که در این زمینه در ذهن داشتند تشریح و تبیین کنند. البته باید انصاف داد که حضرت امام «ره» تا آخرین سال‌های عمر شریفشان همواره در پی فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب برای اداره جامعه بر مبنای شریعت اسلام بودند و پیام‌ها و بیانات روشنگری که ایشان در طول سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸ در زمینه حدود اختیارات حاکم اسلامی، ولایت مطلقه فقیه، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام و ... داشتند^۲ همه مؤید این است. در هر حال ما امروز مواجهه با چالش‌های مختلفی در ارتباط با اداره حکومت و قانونگذاری بر مبنای فقه و شریعت اسلامی هستیم و بدون شک اگر نتوانیم در این زمینه به پاسخ‌های مناسبی دست یابیم، جمهوری اسلامی نیز در سراب سکولاریسم و عرفی‌گرایی گرفتار می‌شود و این مهم وظیفه علمای دین و حوزه‌های فقه‌ت را دو چندان می‌سازد.

به نظر می‌رسد نخستین قدم برای پاسخگویی عالمانه به مشکلات نظری فراروی نظام جمهوری، شناخت دقیق مسائل و مشکلاتی است که این نظام در طول دو دهه گذشته با آنها رو به رو بوده است. برای رسیدن به این اهداف لازم است که کلیه مسائل و مشکلات حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و ... این نظام در مجموعه مبهم پیوسته، تجزیه و تحلیل و سیر تطور و تحول در راه حل‌هایی که برای پاسخ به این مسائل و مشکلات در دو دهه گذشته مطرح شده، مورد بازبینی قرار گیرند تا از ورای آن بتوان به پاسخ‌های مناسبی برای این مسائل و مشکلات رسید. با حاکمیت نظام اسلامی در ایران، قوانین و مقررات حاکم بر «جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص» «صدمات بدنی» نیز همچون بسیاری قوانین دیگر، دست خوش تغییر و دگرگونی اساسی گردید و مقررات قصاص و دیات، جایگزین مقررات پیشین شدند. بنابراین لازم است نگرشی اجمالی داشته باشیم بر مهمترین قوانین که تا پیش از تدوین و اجرای مقررات یاد شده در موارد بروز صدمات بدنی خواه عمدی و غیر عمدی مورد استناد دادگاهها قرار می‌گرفته و بر اساس آنها به صدور حکم مجازات و یا جبران ضرر و زیان ناشی از صدمات بدنی می‌پرداخته‌اند.

1- اصل چهارم قانون اساسی.

۲ - صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی «ره») ج 20، ص 430 و 435.

الف (قوانین حاکم بر صدمات بدنی تا پیش از استقرار نظام اسلامی مهمترین قوانین که در این زمینه قابل اشاره می باشند عبارتند از :

۱ - قانون مجازات عمومی

۲ - قانون مسولیت مدنی

۱- قانون مجازات عمومی و متمم آن: دارای ۲۸۸ ماده بوده که از ماده ۱ تا ۱۶۹ آن ابتدا در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۰۴ به تصویب رسید ولی در تاریخ ۷ خرداد ماه ۱۳۵۲ مواد ۱ تا ۵۹ آن مواد ۲۸۱ تا ۲۸۸ آن نیز در تاریخ ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۰ به تصویب رسید .

۲- قانون مسؤولیت مدنی : قانون مزبور که در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ به تصویب رسیده بود ، به طور عمده از قانون تعهدات کشور سوئیس و قانون مدنی کشور آلمان اقتباس گشته و مشتمل بر ۱۶ ماده بود . به هنگامی که لایحه مربوط به این قانون مراحل تصویب خود را می گذرانید، معاون وقت وزارت دادگستری طی یک سخنرانی در تالار اجتماعات این وزارتخانه اعلام داشته بود : علت اساسی تهیه این لایحه این بود که قوانین موضوعه آن طوری که باید و شاید و به اقتضای ، اوضاع اقتصادی و اجتماعی فعلی ، کافی برای جبران خسارات وارده به افراد نبود .^۱

بدین سان می توان گفت که تدوین کنندگان قانون مسؤولیت مدنی ، بر آن بوده اند که مقررات قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ در زمینه (ضمان قهری) را تکمیل کنند.^۲

در ماده یک قانون مزبور آمده بود : هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود . مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد .

پس به طور کلی می توان گفت که به موجب «قانون مسؤولیت مدنی » هرگونه ضرراعم از مادی و معنوی مسؤولیت آور بوده و وارد کننده آن موظف به جبران می باشد .

به موجب مواد: ۱ ، ۲ ، ۵ و ۶ قانون مسؤولیت مدنی در مواقع بروز صدمات بدنی، هر یک از خسارت های زیر که متوجه شخص آسیب دیده می شود قابل مطالبه بودند:

۱ - هزینه معالجه

۲ - خسارت از کار افتادگی

۳ - افزایش مخارج زندگی

۴ - خسارت معنوی

^۱ - درودیان ، حقوق مدنی 4 ، ص 55 .
^۲ - ر . ک : مواد 307 تا 337 قانون مدنی .

و اگر صدمه بدنی منجر به مرگ شخص آسیب دیده می شد «کلیه هزینه ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن» بر عهده وارد کننده صدمه بود و اگر مرگ فوری نبود «هزینه معالجه و درمان و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب می شد»
حال که با مهمترین قوانین که تا قبل از استقرار نظام اسلامی، بر موارد مختلف صدمات بدنی، اعم از عمدی و غیر عمدی، حاکم بودند، آشنا شدیم مروری می کنیم بر سیر تدوین و تصویب مقررات دیات در نظام جمهوری اسلامی ایران.

ب) مقررات حاکم بر صدمات بدنی پس از استقرار نظام اسلامی

با تشکیل اولین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۹ تلاش های وسیعی برای اسلامی کردن قوانین و مقررات حاکم بر کشور آغاز گردید و شورای عالی قضایی وقت نیز با استفاده از تحریر الوسیله حضرت امام خمینی «ره» لوایح مختلفی در زمینه های مختلف حقوقی و جزایی تدوین و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. اولین لایحه از این دست قانون حدود و قصاص و مقررات آن بوده که در سوم شهریورماه ۱۳۶۱ به تصویب کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی رسید، در مدت کوتاهی پس از تصویب این قانون، یعنی در ۲۴ آذرماه ۱۳۶۱ مبحث دیات قانون مجازات اسلامی در کمیسیون مزبور به تصویب رسید. تا برای مدت پنج سال به صورت آزمایشی به مرحله اجرا درآید.

این قانون که در ۲۱ ماده تصویب شده بود. موارد مختلفی از صدمات بدنی اعم از ضرب و جرح، نقص عضو و قتل را، البته در صورتی که به طور خطای محض و یا خطای شبه عمد واقع شده باشد، در بر می گرفت و در واقع جانشین مقررات مطرح شده در فصل اول از باب سوم قانون مجازات عمومی مصوب ۷ بهمن ۱۳۰۴ و موادی از قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۹ به شمار می آمد.

با پایان یافتن مدت اجرای آزمایشی مزبور و قانون حدود، قصاص و مقررات آن از سوی قوه قضاییه، لایحه ای با عنوان «قانون مجازات اسلامی» که در برگیرنده کلیات حقوق جزاء و مقررات مربوط به حدود قصاص و دیات بود، تدوین و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید.

کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس، پس از بحث و بررسی های بسیار در تاریخ هشتم مرداد ۱۳۷۰ این قانون را به تصویب رساند. اما از آنجا که بعضی از مواد این قانون مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان بود، این قانون در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شد و در جلسه ی مورخ هفتم آذرماه ۱۳۷۰ این مجمع به تصویب رسید.

در حال حاضر کتاب چهارم از قانون مجازات اسلامی، که به مقررات مربوط به دیات اختصاص یافته است. مشتمل است بر ۱۰۳ ماده (مواد ۲۹۴ تا ۲۹۷) و حدود یک چهارم از قانون مزبور را تشکیل می دهد .

چنان که پیش از این گفته شد تا قبل از حاکمیت مقررات دیات در کشور بر اساس قانون مسئولیت مدنی آسیب دیدگان از صدمات بدنی می توانستند، کلیه خسارت ها را که از ناحیه صدمه بر آن ها وارد شده بود، اعم از هزینه ی معالجه، خسارت از کار افتادگی، افزایش هزینه ی زندگی و ... را از صدمه زننده مطالبه کنند. با تصویب مقررات دیات در سال ۱۳۶۱ و تعیین مقادیر دیه برای صدمات مختلف بدنی از قتل گرفته تا ضرب و جرح و نقص عضو و ... این سؤال مطرح شد که آیا با وجود تعیین دیه، شخص صدمه دیده می تواند سایر ضرر و زیان های ناشی از صدمه بدنی را مطالبه کند یا خیر؟

به عبارت دیگر، آیا با تصویب قانون دیات، موادی از قانون مسئولیت مدنی که مربوط به صدمه ات بدنی و خسارت های ناشی از آن ها می شود نسخ شده است یا اینکه خیر این مواد همچنان قابل استناد است؟ آنچه باعث اهمیت یافتن این مسئله مزبور شده بود این که دیه پرداختی به قربانیان صدمات بدنی با توجه به شیوه ای که در دادگاهها برای تعیین دیه اعمال می شود، در اکثر موارد قادر به جبران هزینه های سنگین معالجه و بیمارستان نبود و آنها ناچار بودند که با تحمل رنج و مشقت فراوان، خود از عهده این هزینه ها و سایر خسارات که از ناحیه صدمه بدنی به آنها وارد شده بود برآیند، ناگفته نماند که چنین وضعی در عمل موجب ناامیدی و ناراضی ایتی قربانیان صدمات جسمانی، نسبت به دستگاه قضایی نظام اسلامی می گردد.

در هر حال موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت لزوم جبران خسارت های ناشی از صدمات جسمانی در طول سال های گذشته همواره، مورد بحث محافل حقوقی و قضایی بود و هم چنان هم در رأس مسائل و مشکلات اجرایی مواد قانون دیات مطرح می باشد.

بیان مسأله و طرح سؤال های اصلی آن

این مسأله که آیا مجنی علیه می تواند علاوه بر دیه ، سایر خسارت هایی را که از ناحیه فعل جانی به او وارد شده است ، اعم از هزینه معالجه ، خسارت از کار افتادگی ، افزایش هزینه زندگی و ... مطالبه کند یا خیر ؟ یکی از مسائل مهمی است که از ابتدای حاکمیت قانون دیات در کشور همواره مورد بحث حقوقدانان و دست اندرکاران امر قضا بوده و تاکنون هم پاسخ قاطعی بدان داده نشده است .

ضرورت تحقیق

این است که امروز به دلیل تغییر ساختار اقتصادی جوامع و افزایش هزینه های درمانی ، از یک سو ، و تنوع یافتن حوادث و رویدادهای مرگبار و شدت صدمات ناشی از آن ها ، از سوی دیگر ، دیه پرداختی به قربانیان صدمات جسمانی ، قادر به جبران خسارتهای وارده شده ب ه آنان نیست و آنان ناگزیرند با تحمل ضررهای فراوان خود از عهده هزینه های متنوعی که با فعل جانی بر ایشان تحمیل شده بر آیند و چنین وضعی در عمل موجب ناامیدی و نارضایتی قربانیان صدمات جسمانی نسبت به دستگاه های قضایی می گردد و همچنین اگر ما قائل به عدم امکان پرداخت خسارت مازاد بر دیه باشیم با قواعد و اصول پذیرفته شده در حقوق و فقه تعارض پیش می آید ، مانند این قواعد : قاعده لاضرر و قاعده تسبیب، و اینکه خسارت مازاد بر دیه قابل پرداخت نباشد با بنای عقلاء هماهنگی ندارد زیرا عقلاء عدم پرداخت خسارتهای ناشی از جرم را ظلم می دانند و ظلم از طرف خداوند قبیح است پس نتیجه می گیریم که حکم بعدم پرداخت خسارت از طرف خداوند قبیح است . همچنین اگر روایات وارده در مورد جبران این هزینه ها، سکوت کرده اند ، شاید دلیل آن کمبود امکانات پزشکی در زمانهای گذشته و سطح پایین هزینه های پزشکی در مقایسه با مقادیر مشخص شده برای دیه بوده است در حالی که امروزه لزوماً چنین نیست ، این موضوع یکی از موضوعاتی است که در فقه شیعه مورد بحث واقع شده است و در نتیجه مشکلات فراوانی را در آراء دادگاهها بوجود آورده و آراء متضاد و متناقضی در شعب مختلف دیوان عالی کشور صادر شده است و در نتیجه لازم دیدم این مسأله را مورد بحث قرار دهم

هدف تحقیق

هدف از این تحقیق این است که با تحلیل حقوقی و فقهی و استناد به اصول و قواعد پذیرفته شده در حقوق و فقه و همچنین با بررسی کردن دلایل مخالفین و موافقین ، راه حلی برای این قضیه ارائه دهیم.

سوالات تحقیق

- ۱- آیا خسارت مازاد بر دیه قابل مطالبه است یا نه ؟
- ۲- در صورت قابل مطالبه بودن چگونه می توان در این مورد اقدام کرد ؟
- ۳- دیه به عنوان یکی از نهادهای حقوقی مورد پذیرش اسلام ، از لحاظ حقوقی واجد چه ماهیتی است ، ماهیت مدنی دارد یا جزایی یا ماهیت دو گانه ؟
- ۴- جبران خسارت معنوی ناشی از خسارات مازاد بر دیه ممکن است یا خیر ؟
در این تحقیق امیدواریم که به این سؤالات پاسخ دهیم .

روش تحقیق

روش ما در تدوین این رساله تحلیلی و توصیفی بوده و با مراجعه مستقیم به منابع کتابخانه ای صورت گرفته است و در استفاده از منابع ، ابتدائاً مطالب به دقت مطالعه و آنگاه آنچه قابل استفاده بودند ، یادداشت می شوند و سپس یادداشت ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می گرفت و با توجه به مطالب فوق ، ما این رساله را به چهار فصل تقسیم نموده ایم و در فصل اول ابتدائاً به بحث معنای لغوی و اصطلاحی دیه پرداختیم و سیر تاریخی آنرا بررسی کرده ایم و همچنین بحث کوتاهی در رابطه با دیه های ششگانه کرده ایم و امضایی یا تأسیسی بودن دیه را هم در این فصل بررسی کردیم و در فصل دوم به بررسی ماهیت حقوقی دیه پرداختیم و در فصل سوم به بررسی قواعد عمومی خسارت و تاملی بر مقطع بودن دیه پرداختیم و در فصل چهارم به بررسی مبانی خسارت مازاد بر دیه در فقه اسلامی و حقوق موضوعه پرداخته ایم و جبران خسارت معنوی در حقوق ایران را مورد بررسی قرار داده ایم.

فصل اوّل

کلیات

مبحث اول : مفهوم دیه

گفتار اول : معنای لغوی دیه و واژه های معادل و مترادف آن

دیه که یک واژه عربی است، در اصل به صورت «وَدَى» بوده است که حروف «واو» از اول آن حذف شده و حرف «ها» در آخر کلمه به جای آن قرار گرفته است «مانند هبه که اصل آن وهب است». وَدَى معانی مختلفی دارد، همچون جاری شدن چیزی، جاری شدن چیز مایع، نابودی، هلاکت و ... هنگامی که این کلمه بصورت دیه در آید، معنای خونبهای مقتول یا عضو را پیدا می کند و این معنا به معنای اصلی کلمه نیز نزدیک است، چون عامل خونبها، ریختن و جاری کردن خون مجنی علیه است و به اصطلاح در این جا علت، جاری کردن خون، و معلول خونبهاست که هر گاه به صورت فعل وَدَى در آید به معنای پرداخت خونبها خواهد بود.^۱

در شرایع الاسلام چنین آمده است: «دیه» بر وزن «عده» یعنی به کسر دال، مأخوذ است از «ودی» و آن در لغت دادن دیه است، و الفاظ مستعمله در عبارات فقهاء در آنچه واجب می شود به سبب جنایتی که مضمون باشد سه لفظ است: «دیه و ارش و حکومت» و اول که «دیه» باشد، بیشتر استعمالش در جنایت نفس است و گاهی در جنایت طرف، یعنی عضو نیز استعمال می شود، و «ارش» بر عکس دیه است که استعمالش در طرف بیشتر است و در نفس به ندرت استعمال می شود، و استعمال ارش اعم است از آنکه شارع تقدیری از برای آن نموده باشد یا نه بر خلاف حکومت که البته در جایی استعمال می شود که شارع تقدیری در خصوص آن ننموده باشد.^۲

در لسان العرب آمده است «الْدِّيَةُ حَقُّ الْقَتِيلِ»^۳ و در المنجد می خوانیم «الْدِّيَةُ مَا يُحْلَى مِنَ الْمَالِ بَدَلَ نَفْسِ الْقَتِيلِ»^۴

واژه «ورگیلد» در حقوق ژرمن قدیم، مبلغ خونبهایی بوده که توسط جانی به مجنی علیه و در صورت مرگ او به خانواده اش پرداخت می شد، بنابر آنچه در لغت نامه دهخدا آمده است، دیه «ورگیلد» بهای انسان بوده و در همه فرهنگهای ژرمنی «از جمله در دوره انگلوساکسونها» وجود داشته است.^۵

واژه Composition در میان مردم ژرمن، خونبها بوده که به عنوان جانشین قصاص، از سوی عامل جنایت به بستگان قربانی داده می شود، فلسفه پرداخت Composition جلوگیری از قصاص بوده است.^۶

^۱ - زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، ج 1، ص 26 - 27.

^۲ - یزدی، ابوالقاسم ابن احمد، ترجمه فارسی شرایع الاسلام، ج 4 ص 1970.

^۳ - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 15، ص 258.

^۴ - معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة، ماده «دیه».

^۵ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج 23، حرف دال.

^۶ - لغت نامه دهخدا، همان جلد، حرف دال.

مال معین یا نامعینی که در ازای ایراد صدمه یا ریختن خون قرار می گیرد، در نقاط مختلف عالم بر تناسب اختلاف زبان اسامی گوناگون دیگری پذیرفته است. قبایل انگلیسی زبان، نام Blood money را برای آن گزیده بودند. در نزد برخی از قبایل صحرای غربی مصر، به اسم «سلاک» معروف است. اعراب ساکن صحرای سینا در حالت قتل خطائی آنرا «مده» و در حالت قتل عمد «دلججه» می نامند. قبایل عراقی بر آن اسم «خشم» اطلاق می کنند و قبایل سومال یایی نام «جد» و قبایل سودانی نام «ابوک» بر آن می نهند. در میان قبایلی اعراب پیش از اسلام، اسامی «عقل» «ارش» و «دیه» متداول بوده و قرآن کریم از میان آنها، نام دیه را برگزید.^۱

«خفاره» نیز در میان اعراب پیش از اسلام نوعی دیه محسوب می شد و میزان آن هفتاد شتر بود و موقعی پرداخت می گردید که کسی به دیگری پناه برده و سپس به علت عدم حمایت میزبان توسط ثالثی به قتل می رسید: در این صورت، میزبان مکلف به پرداخت خفاره به ولی مقتول بود.^۲

برای واژه «دیه» لغات مترادف دیگری نیز وجود دارد که به دلیل استعمال برخی از آنها در کتب فقهی مذاهب اسلامی، ما در اینجا به آنها اشاره می کنیم تا از این طریق افاضه بیشتری بر مباحث مربوط به دست آوریم:

یکی از لغات مترادف دیه، «عقل» است، لسان العرب در این زمینه می گوید:

«و العقلُ فی کلام العرب الدِّقُّ، سُمِّيتْ عَقْلًا لِأَنَّ الدِّقَّ كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِبْلًا . لِأَنَّهَا كَانَتْ أَمْوَالَهُمْ ، فَسُمِّيتِ الدِّقُّ عَقْلًا . لِأَنَّ الْقَاتِلَ كَانَ يُكَلِّفُ أَنْ يَسُوقَ الدِّقَّ إِلَى فَنَاءِ وَرَثَةِ وَالْمَقْتُولِ، فَيَعْقِلُهَا بِالْعَقْلِ وَ يُسَلِّمَهَا إِلَى أَوْلِيَائِهِ وَأَصْلُ الْعَقْلِ مُصَدَّرٌ «عَقَلْتُ الْبَصِيرَ بِالْعِقَالِ أَعْقَلُهُ عَقْلًا» وَ هُوَ حَبْلٌ تُثْبِتُ بِهِ يَدُ الْبَصِيرِ إِلَى رُكْبَتِهِ فَتَشْدُ بِهِ».^۳

چنانکه از عبارت فوق به دست می آید، تسمیه دیه به عقل بدین جهت بوده است که در جاهلیت، شتر به عنوان اصلترین اموال مردم آن روزگار، دیه شمرده شده و قاتل موظف بوده است که شتر دیه را در آستانه خانه ورثه مقتول آورده و آن را با ریسمانی که بدان «عقال» می گفتند ببندد. از این رو مصدر «عقل» که در اصل به معنای «بستن عقال» به دست شتر بود، به تدریج بر خود «معقول» «شتر عقال شده» اطلاق گردید، تا بدانجا که بر اثر کثرت استعمال این لفظ در زبان عرب به هر چه به عنوان دیه پرداخت می گردد ولو درهم و دینار نیز «عقل» گفته می شود. چون در لسان نبی اکرم «ص» نیز از «دیه» با عنوان «عقل» یاد شده است، فقهای مذاهب اسلامی بویژه مالکیه در موارد متعدد به جای دیه از لفظ «عقل» استفاده کرده اند.

^۱ - ادريس ، عوض احمد ، الدية بين العقوبة و التعويض ، ص 16 .

^۲ - همان ، ص 62 .

^۳ - ابن منظور ، محمدبن مكرم ، لسان العرب ، ج 11 ، ص 461 .